



## پژوهشنامه حقوق کیفری

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷

شماره پیاپی ۱۷



### گفتمان سیاست جنایی و جرم‌شناسی در «آخرین روز یک محکوم»

دکتر هادی رستمی<sup>۱</sup>

سید حسن جعفریان<sup>۲</sup> ✉

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۴

#### چکیده

اثر «آخرین روز یک محکوم» داستان محکومی را به تصویر می‌کشد که شش هفته به اجرای حکم اعدامش زمان دارد. ویکتور هوگو به نقل از محکوم و در ورای این روایت، با تمرکز بر نهادهای عدالت کیفری سده نوزدهم، به تشریح فضای کیفری حاکم بر فرانسه پرداخته است. هوگو افق‌های گوناگونی از این مفاهیم را با هدف تبیین و توضیح ساختار مشخصی از سیاست جنایی در قالب داستانی مستندگونه به مخاطب ارائه می‌نماید. نمادها و نشانه‌هایی که او عرضه می‌کند، بیشتر بیان این واقعیت است که بزه‌کاری ریشه در بزه‌دیدگی دارد و فرد در نبود پایگاه اجتماعی و فرایند برچسب‌زنی و ساختار معیوب سیاست جنایی لاجرم به سمت ارتکاب بزه متمایل می‌شود. با کندوکاو در اثر مذکور و دیگر آثار ادبی، این باور شکل می‌گیرد که رویکرد جرم‌شناسی به جرم، خوانش ادبیاتی نیز دارد و بعید نیست در آینده نزدیک بتوان از رشته‌ای به نام جرم‌شناسی ادبی سخن گفت.

**واژگان کلیدی:** تحلیل محتوا، سیاست جنایی، جرم‌شناسی ادبی، سیاست کیفری مدارا، بزه دیده‌گی، سیاست کیفری طرد

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا همدان

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) ✉ h.jafarian86@gmail.com

## مقدمه

«آخرین روز یک محکوم» اثر ویکتور ماری هوگو (۱۸۰۲-۱۸۸۵ میلادی) نویسنده مشهور فرانسوی است. وی علاوه بر خلق آثار ماندگاری چون بینوایان، گوزپشت نتردام و کلود ولگرد، به عنوان یک سیاستمدار نیز در زمینه‌های گوناگون سیاسی-اجتماعی حضور داشته و حتی در سال ۱۸۴۵ میلادی از جانب شاه لویی فلیپ، به مجلس اعیان دعوت می‌گردد. هوگو پس از انقلاب فرانسه، در سال ۱۸۴۸ میلادی، به عنوان نماینده مردم در نكوهش کیفر اعدام و بی‌عدالتی‌های اجتماعی آن دوره سخنانی ارائه می‌کند. او در «آخرین روز یک محکوم»، شش هفته پایانی حضور یک محکوم به اعدام را در زندان با توجه به احوال و دیدگاه‌های سیاسی حاکم بر جامعه به تصویر می‌کشد. انتشار این اثر مقارن با حاکمیت قانون مجازات فرانسه ۱۸۱۰ مشهور به کُد ناپلئون است. به موجب این قانون، که جایگزین قانون مجازات ۱۷۹۱ شده بود، کیفر اعدام همچنان به حیات مقتدرانه خویش در عرصه کیفری حقوق فرانسه ادامه می‌داد. بر همین اساس، نویسنده داستان، محاکمه و فرایند اجرای کیفر اعدام را از منظر محکوم به رشته تحریر درآورده و به بررسی چالش‌های حقوقی و اجتماعی این مفهوم می‌پردازد. شخصیت نخست داستان با مهری که از یگانه دختر شش ساله‌اش به نام ماری دارد، خود را به دلیل تنها نمودن فرزندش، سرزنش می‌کند. او به دلیل ارتکاب قتل، پس از طی تشریفات دادرسی و تأیید حکم در مرحله فرجامی به اعدام محکوم می‌گردد؛<sup>۱</sup> در حالی که در هیچ‌جایی از این اثر به علت قتل و بیان واقعه اشاره‌ای نمی‌شود.

اصالت فعالیت‌های هوگو در این نکته نهفته است که با وجود این‌که مقام و جایگاهی در قدرت سیاسی و حکومتی فرانسه داشت، به صورت مستمر در امور عامه وارد شده و به مسائل جامعه و ناهنجاری‌های آن از منظر علوم مختلف می‌پردازد (معظمی فراهانی، ۱۳۸۷: ۴). از این رو، دغدغه‌های او از منظر جرم‌شناسی و سیاست جنایی واجد اهمیت است.

جرم‌شناسی با این‌که از علوم مرکب محسوب می‌شود، و این علوم از بدو پیدایش از دستاوردهای سایر رشته‌ها یاری می‌جستند، اما ماهیت مستقل داشته و در آن‌ها مجذوب نشده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۹۶۵). آموزه‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی در خارج از قلمرو جامعه انسانی مفهومی نداشته و این آموزه‌ها با رویکرد مشخص در اثر تعامل و ارتباط با ساختارهای

۱. کیفر اعدام در زمان حاضر نیز به عنوان یکی از مجازات‌های مهم در زرادخانه کیفری بسیاری از نظام‌های حقوقی جاری است، به نوعی که در آغاز هزاره سوم در ۹۰ کشور وجود داشته و نظام کیفری ایران نیز با بیش از ۸۵ عنوان جزایی مشمول اعدام به این کیفر وفادار مانده است: آمار رسمی ارائه شده از سوی کمیته عفو بین‌الملل مربوط به سال ۲۰۱۳ در مجموع نشان‌دهنده اجرای ۷۷۸ مورد اعدام در سطح جهان می‌باشد. جهت مطالعه بیشتر، ر.ک.، رایجیان

اصلی، ۱۳۸۳؛ ۲؛ آخوندی، ۱۳۸۴؛ ۳؛ رضوی‌فرد، ۱۳۹۰ و نیز: The franklin.e.zimring.axford pre. contradictions of American capital punishment.

مختلف جامعه پدیدار می‌شوند. پدیده‌های جنایی افزون بر این که مورد توجه حقوق دانان واقع شده، با اقبال ادیبان، جامعه‌شناسان، فلاسفه و حتی پزشکان نیز همراه بوده و هر یک از دانشمندان علوم گوناگون، مفهوم پدیده جنایی و آثار آن را با چشم‌انداز آموزه‌های اصلی علوم خویش و با ادبیات خاص آن رشته، مورد بررسی قرار داده‌اند. لازمه بهره‌مندی از این نظرها، رمزگشایی یافته‌های دانشمندان است که می‌توان با استفاده از درک مفاهیم و ادبیات و نگاه خاص رشته‌های مختلف، مفاهیم مرتبط با جرم را از آن استنتاج نمود. تحقق این مهم جز با تمسک به فن تحلیل محتوا که ریشه در تحلیل معانی دارد، میسر نیست (محمدی مهر، ۱۳۸۹: ۱۸). به عبارت دیگر تحلیل محتوا روشی است که می‌توان آن را درباره انواع گوناگون پیام‌های نهفته در آثار ادبی، مقاله‌ها، اسناد رسمی، اعلامیه‌های سیاسی و مانند آن به کار بست. واژه‌هایی که نویسنده به کار می‌برد، از جمله منابع اطلاعاتی هستند که طی آن می‌کوشد به شناخت موضوع خاصی دست یابد (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۳۸). هدف تحلیل محتوا کسب شناخت از نوع ایده‌های اجتماعی، سیاسی یا حقوقی نویسنده یا سخن‌ران می‌باشد که با بررسی آن می‌توان نگرش مؤلف را بازخوانی نمود. بر همین اساس، با گذاری بر آثار هوگو، اندیشه‌های وی در پهنه سیاست جنایی و دیگر علوم مرتبط با آن از گذر جرم‌شناسی ادبی شناخته می‌شود.

نویسنده مقاله حاضر قصد دارد تا یافته‌های علمی شاخه‌های گوناگون علوم جنایی را از نگاه و نظر ویکتور هوگو در «آخرین روز یک محکوم»، با روش تحلیل محتوا ارزیابی نماید. دریافت سیاست جنایی در مفهوم موسع آن، از دیدگاه ادیبان و نویسندگان مستلزم شناسایی علل وقوع جرم و نقش دستگاه عدالت کیفری از همین منظر می‌باشد. با این توضیح پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که گفتمان حاکم در «آخرین روز یک محکوم» تا چه اندازه با یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی مدرن هماهنگی دارد؟ از این‌رو، نخست سیاست جنایی حاکم بر عصر هوگو از خلال تحلیل داستان بررسی می‌شود (۱)، سپس جلوه‌های جرم‌شناسی اثر با ابتناء بر نظریه‌های جرم‌شناسی شناسایی می‌گردد (۲). بهره‌گیری از یافته‌های سیاست جنایی نیز مستلزم استفاده رشته‌های علوم جنایی تفسیری اعم از جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی کیفری می‌باشد. بنابراین، تلاش بر این است تا مرزهای مهم این علوم با ابتناء بر تحلیل محتوا از اثر حاضر استنتاج گردد. اهمیت این روش افزون بر این که به رابطه میان حقوق و ادبیات دامن می‌زند، ساحت جدیدی در قلمرو مطالعات جرم‌شناسی می‌گشاید، و به نوعی به گسترش جرم‌شناسی و تقویت و تکامل رشته تازه جرم‌شناسی ادبی مدد می‌رساند.

## ۱. تحلیل داستان از منظر سیاست جنایی

هوگو در داستان «آخرین روز یک محکوم» با شرح حال فرد محکوم به اعدام که واپسین روزهای زندگی‌اش را سپری می‌کند، با کاربست زبان ایماء و اشاره به ارزیابی، نقد و آسیب‌شنایی نهادهای عدالت کیفری، نظام مجازات‌ها و روش‌های پاسخ‌گویی در برابر جرم، نوع نگاه اجتماع به مجرم و در مجموع سیاست جنایی زمان خود می‌پردازد. بازتاب مفاهیم سیاست جنایی در برگ برگ داستان مذکور هویدا بوده و هوگو با تمرکز بر سرنوشت یک محکوم به اعدام، سیاست کیفری زمان را به چالش می‌کشد.

سیاست جنایی در مفهوم امروزی، بیشتر به دنبال یافتن راهبردی به منظور پاسخ‌گویی به وضعیت‌های مجرمانه و منحرفانه در جامعه با تجزیه، تحلیل و فهم پدیده مجرمانه به‌عنوان یک امر خاص است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۶۳). این دیدگاه، مفهوم وسیعی از سیاست جنایی را در مقابل مفهوم مضیق آن ارائه می‌نماید. در مفهوم مضیق، کانون توجه معطوف به مفاهیم قانونی جرم و لزوم مقابله «واکنشی» از ره‌گذر اقدامات سرکوب‌گر است؛ حال آن‌که در مفهوم موسع، سیاست جنایی با تمسک به ابزارهای کنشی و واکنشی و با تعمیم مفهوم جرم به بزه قانونی و انحراف به حل معمای جرم می‌پردازد، به نوعی که در این عرصه، استفاده از آموزه‌های جرم‌شناسی و دیگر رشته‌ها در جهت پاسخ‌گویی به مسائل امری ضروری و غیر قابل انکار می‌باشد. به همین روش، هوگو در کنار توجه به اقدامات واکنشی و مشخصه‌های آن، علت‌شناسی جرم را در مفهوم موسع سیاست جنایی، از طریق روایت اوضاع و احوال شخصیت‌های داستان مورد توجه قرار می‌دهد. او به نقل از محکوم، چشم‌انداز حاکم بر نهادهای عدالت کیفری (دادگاه، زندان و...)، کنش‌گران قضایی (وکیل، روحانی مستقر در زندان و...)، وضعیت مجازات‌ها، دوران پساکیفری، سخت‌گیری و تسامح صفرو بسیاری از سیاست‌های مرتبط با جرم را ترسیم می‌نماید. بدین‌سان، «آخرین روز یک محکوم»، کلید واژه‌هایی چون اعدام، زندان و حبس ابد با اعمال شاقه را در قلمرو حاکم بر سیاست جنایی فرانسه سده نوزدهم، در کنار نظام اجرای علنی کیفر با هدف ارعاب و پیش‌گیری عمومی به روش سرکوبگری، بیش از پیش نمایان ساخته است تا در این میان، به رویکرد الغایی کیفرهای بدنی از طریق صدور حکم عفو سلطنتی، حتی در لحظه حضور محکوم در محل اجرای حکم، نیز اشاره کند؛ آن‌گاه که محکوم به اعدام در واپسین لحظه‌های زندگی خود، با توسل به آخرین بارقه‌های امید التماس می‌نماید: «محض رضای خدا مرا ببخشید و حکم عفو مرا بگیرید... برای خاطر خدا یک دقیقه صبر کنید تا شاید حکم عفو من برسد، ای وای! اگر حکم عفو من نرسد، چه کنم؟... (هوگو، بی‌تا: ۹۷) روش تحلیل محتوا کاربست مضامین و مفاهیم سیاست جنایی را در

داستان مذکور به روشنی آشکار می‌سازد. تمرکز نویسنده داستان بر فعل و انفعالات پس از اجرای محکومیت (پساکیفری) و اهمیت این مرحله در روند بزه‌کاری مجدد قابل توجه و ستودنی است.

### ۱.۱. اهمیت مرحله‌ی پساکیفری<sup>۱</sup>

سیاست جنایی حاکم بر فضای داستان، که برگرفته از حقیقت اجتماعی آن دوره است، در قلمرو ابزارهای سزاگرایانه، بدون بهره‌گیری از اقدامات لازم جهت بازپروری محکومین، خلاصه می‌گردد. این در حالی است که اجرای کیفر منحصر به سزادهی نبوده و اهداف دیگری مانند بازپروری و اصلاح محکوم (نی) مدنظر است. محکوم باید پس از تحمل مجازات، فرآیند دوباره اجتماعی شدن را نیز تجربه نماید. در این میان، راهبردهای پساکیفری به‌عنوان مجموعه‌ای از رویکردهای حمایتی از قبیل مراقبت‌های پس از آزادی، مددکاری اجتماعی و غیره حائز اهمیت است. مطالعات نشان می‌دهند فرد پس از اجرای مجازات، بر اثر تهدیدها و عوامل خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی در معرض ارتکاب مجدد جرم قرار می‌گیرد و حتی شرایط نامطلوب اجتماعی پس از اجرای مجازات می‌تواند برنامه‌های اصلاحی دوران محکومیت و یا کارکرد اصلاحی مجازات را بی‌اثر نماید. از این رو، تدابیر پساکیفری، در تعامل با اجتماع نقش مهمی را در جهت تداوم اصلاح، درمان مجرم و بازپروری مجرم ایفا می‌کند (واقفی، ۱۳۹۰: ۱۰۷) همچنان که در پنج دهه گذشته، رفتار اصلاحی با محکومین و چگونگی اتخاذ دستاوردهای مناسب جهت جامعه‌پذیر کردن بزه‌کاران و بازسازی اجتماعی آنان به شکل رسمی در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. (Ward & Maruna, 2005: 16). شگفت آن که هوگو نیز در خلال روایت خود نسبت به مغفول ماندن این فرآیند در سیاست جنایی متعرض و منتقد است. شخصیت نخست داستان در روز اجرای حکم، پس از انتقال به زندان دیگر با محکوم به اعدام دیگری هم‌کلام می‌شود که پس از آزادی از حبس طولانی پانزده ساله، بر خلاف میل باطنی به دلیل نداشتن هزینه‌های حداقلی زندگی، مرتکب جرم دیگری می‌شود. وی می‌گوید: «یک روز، صبح خوشی بود که جواز راه و شصت و شش فرانکی که در مدت پانزده سال کار اجباری، آن هم با روزی شانزده ساعت و سی روز در ماه و دوازده ماه در سال گرد آورده بودم، به دستم دادند و مرا مرخص کردند، عیبی ندارد! تصمیم گرفتیم با آن اندوخته، مردی شریف و درستکار باشم... حاضر شدم در تمام روز، خود را به ازاء مزد پانزده، ده و حتی پنج سنت بفروشم و کسی به من نیازی نداشت. خوب، چه بایستی کرد؟ یک روز گرسنه شدم، آنجی به شیشه مغازه نانوايي کوبیدم و قرص نانی را چنگ زدم، نانوا مچ مرا گرفت، نتوانستم نان بخورم، ولی به حبس ابد با کار اجباری محکوم شدم و بر شانهم نیز سه حرف به

1. Post penal

علامت زندانی با داغ نوشتند.» (هوگو، بی تا: ۵۵) این نگاه صرفاً به داستان حاضر محدود نمی شود و هوگو در کتاب «بینوایان» نیز به سرگذشت شخصی به نام پییر مورن اشاره می کند که در نتیجه گرسنگی نانی را از نانواایی می دزد و بر اثر شکایت نانوا دستگاه عدالت به جریان افتاده و او را به عنوان سارق به پنج سال حبس با اعمال شاقه محکوم می کند. این در حالی است که قضات منتخبی که سارق را به حبس با اعمال شاقه محکوم ساخته اند، در واقع، همان غارت گرانی بوده اند که کسوت قضاوت بر تن نهاده اند (کسمائی، ۱۳۵۷: ۳۵). بنابراین، هوگو به مهم ترین مرحله پس از اعمال کیفر، یعنی اجرای سیاست های پساکیفری منطبق با وضعیت محکوم علیه، متمرکز می شود. وی با نگارش روایتی از دو محکوم، در داستان نخست می کوشید تصمیم کنش گران عدالت کیفری به رهاسازی محکومان را به نقد کشانده و از این رهگذر اعلام دارد که بدون حمایت مددکارانه و بازپرورانه نمی توان به اصلاح و عدم تکرار جرم بزه کارانی که کیفر بر آنان اجرا گردیده است، امید چندانی داشت؛ چنان که در داستان دیگر (بینوایان) افق انحصارگرایانه متولیان توزیع و اجرای مجازات را از این حیث که افرادی بر جان و مال مردم (فرانسه) مسلط بودند با استحقاق به شدیدترین کیفرها از مجازات معاف و بیچارگانی را به دردناک ترین و ظالمانه ترین کیفرها محکوم می نمودند، فضای عدالت کیفری آن عصر را به چالش می کشد (کسمایی، ۱۳۵۷: ۲۸). مرحله پساکیفری در دنیای کنونی نیز مغفول واقع شده و شرایط اجتماعی مناسب برای بازسازی محکوم پس از اجرای کیفر، توسط سیاست گذاران مهیا نبوده و حتی برچسب محکومیت در بیشتر موارد مانع اصلی برگشت محکومان به جامعه است. وانگهی، تحمیل محرومیت از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی، که در حقوق ایران به شرح مذکور در ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پیش بینی شده است، روش دیگری است که اجرای حقوق شهروندی مجرم را دست کم تا مدت قابل توجهی بر نمی تابد.

## ۲.۱. سیستم طبقه بندی زندانیان<sup>۱</sup>

با افول تدریجی مجازات های بدنی در اروپای غربی و توسعه زندان گرایی از سده هجدهم، حبس در مدت زمانی کوتاه به مجازات اصلی مبدل گردید و در نظام کیفری فرانسه شیوه های گوناگونی را به خود اختصاص داد (فوکو، ۱۳۹۲: ۱۴۵). با کنکاش در مفهوم داستان، می توان از تفکیک زندانیان بر اساس جرائم ارتکابی آنان پرده برداشت. متهم به قتل، خواه قبل از محکومیت و خواه پس از آن، بدون معاشرت با دیگر محکومان در سلول انفرادی و در شرایط بسیار ناگواری نگه داری می شود. چنان که هوگو به نقل از شخصیت اول داستان بیان می کند: «ناقی است به مساحت هشت قدم

1. Classification of captive's system

مربع، دارای چهار دیوار از سنگ تراش که با زاویه قائمه به هم متصل شده‌اند... از این گذشته، دخمه من پنجره‌ای نیز ندارد.» (هوگو، بی تا: ۲۰) این نوع از نگه‌داری جلوه‌ای از رژیم حبس انفرادی مشهور به «سیستم پنسیلوانیایی» است که محکوم در آن در انزوای کامل به سر می‌برد و در مقابل «رژیم مشترک» قرار دارد (بولوک، ۱۳۸۶: ۱۸۷).<sup>۱</sup> امروزه نمونه‌هایی از این کیفر را می‌توان در شکل محدودتری ملاحظه نمود، آن‌سان که در نظام اعمال حبس در ایران رژیم حبس‌های انفرادی به-عنوان یک تنبیه انضباطی، حداکثر تا بیست روز برای زندانیان مختلف به استناد ماده ۱۷۵ آیین-نامه سازمان زندان‌ها قابل اجرا است.

### ۱.۳. طرد بزه‌کار و دشمن‌سازی

کارکردهای فایده‌گرایانه کیفر در درازای تاریخ با گذار از عبرت‌آموزی و بازپروری اجتماعی بزه‌کاران، سرانجام به طرد و حذف آن‌ها منجر گردید. بدین صورت که از چشم‌انداز تحولات کیفری، این مجازات علیه جرمی اعمال شد که درجه آن‌ها از نظر شدت، مکافات‌ناپذیر می‌نمود. (بولوک، ۱۳۸۶: ۳۴). از منظر تاریخی، هرکس که رفتارش موجب خشم نیروهای ماوراءالطبیعه گردد، به یک دشمن عمومی تبدیل می‌شود که باید در جهت آرامش نیروهای متافیزیکی قربانی گردد. چنین فهمی از جرم، به‌ویژه آن‌گاه که جرم بر علیه حکومت یا نمایندگان عالی‌رتبه آن باشد، زمینه‌ساز واکنشی نسبت به مجرم می‌شود که گویی در مقابل یک جنگ‌جوی بیگانه صورت می‌گرفت. در این تلقی از بزه، بزه‌کار وصف شهروندی و حتی رعیت و متبوع بودن خویش را از دست داده و به‌عنوان دشمن نظام سیاسی - اجتماعی مورد توجه واقع می‌شد (غلامی، ۱۳۹۱: ۱۲). این رویکرد، با تشدید ترس از جرم در اجتماع، ارایه تصویری غیرانسانی از بزه‌کاران و مبالغه در خصوص شدت و خطرناکی جرایم، شرایط لازم برای افزایش اختیارات مراجع قدرت را جهت اتخاذ گفتمانی امنیت-گرا و مغایر آموزه‌های حقوق بشری فراهم ساخت. در همین چارچوب بود که سیاست توان‌گیری از مجرم در ابعاد «توان‌گیری طبقاتی» و «توان‌گیری گزینشی» در راستای طرد و سلب توان از بزه‌کاران به بار می‌نشیند (رضوانی، ۱۳۹۵: ۱۷۹). هم‌چنان‌که برداشت اخیر سبب شد تا سالیان متممادی کیفر اعدام در جوامع مختلف اروپایی رواج داشته باشد. (Hodgkinson & schubas, 2004: 169) هر چند این کارکرد در حقوق فرانسه پس از لغو اعدام در قانون ۱۹ اکتبر ۱۹۸۱ رو به افول نهاد، اما توجه به نوع کیفر اتخاذی برای محکوم به اعدام و حتی محکومان به حبس ابد با اعمال شاقه می‌تواند افقی از کاربست این روش در عصر مقارن با نویسندگان را نمایان

۱. هم‌چنین، رک، نوروال موریس - دیوید ج روتمن، ۱۳۹۰.

سازد. بر همین اساس هوگو به نقل از شخصیت نخست داستان در این باره می‌نویسد: «خشم و نفرت من از حبس ابد با کار اجباری و اعمال شاقه به درجه‌ای بود که مرگ را صد بار بر آن ترجیح می‌دهم» (هوگو، بی‌تا: ۱۱) به نظر می‌رسد، راهبرد کیفری در فرانسه سده ۱۹ میلادی سیاست طرد و حذف مجرم از جامعه بوده است. سیاست اتخاذی در این نظام با ایدئولوژی سرکوبگراییانه همراه بوده است. زیرا ایدئولوژی سرکوبگر از یک سو، نظارت بر گروه‌های بزه‌کار و افراد در معرض ارتکاب جرم یا منحرف را به صورت فوق‌العاده تشدید می‌کند و از سوی دیگر، اقدام‌های بازپروری مجرم و راه‌کارهای پیشگیرانه از جرم و حمایت از بزه‌دیده را نفی می‌نماید (صابری، ۱۳۹۴: ۲۰). بنابراین، دستگاه عدالت کیفری با هدف کنار گذاشتن بزه‌کاران از جامعه، صرف نظر از اندیشه‌های بازپرورانه، به تبیین ساختارهای کیفرشناسانه روی آورده و می‌کوشد در گذار از اجرای مجازات‌های سنگین، خشن و به دور از هرگونه تناسب طولی و عرضی، سیاست طرد مجرم در اولویت قرار داده و کرامت والای انسانی را نادیده بگیرد، با این تعبیر که بزه‌کار با ارتکاب جرم، شایستگی خود را از حضور در جامعه از دست داده و جسم و جان وی در اختیار حاکمان جامعه قرار می‌گیرد. بدین‌سان، نویسنده، بی‌توجهی کنش‌گران عدالت کیفری به نوع مجازات انتخابی و تناسب آن با جرم را نکوهش می‌کند. او با بیان هنرمندانه خود خواستار اتخاذ تدابیر منصفانه کیفری همسو با وضعیت پیش‌جنایی بزه‌کار می‌باشد.

#### ۱.۴. تسامح صفر<sup>۱</sup> در برابر جرم

از دیگر رویکردهای حاکم بر نظام جزایی حاکم بر جامعه هوگو، پایبندی و به‌کارگیری نوع خاصی از پاسخ‌دهی کیفری بدون توجه به میزان آثار زیان‌بار جرم است. تعیین بسیاری از کیفرها در جامعه مورد بحث نویسنده، با اعمال مجازات‌های سنگین و حداکثری و بدون در نظر گرفتن میزان کمی و کیفی جرم صورت می‌گرفت و شیوه نگارش دو داستان موجود در کتاب، نمونه‌هایی از سلب توان بزه‌کاری را در جامعه معاصر هوگو را هویدا می‌سازد. بر این اساس، سخت‌گیری در سیاست کیفری متضمن شدت‌گرایی بر مجرم‌ان از طریق افزایش میزان مجازات، طول مدت یا میزان درد و رنج آن است که گاه در صدد انتقام از مجرم است و گاهی به عنوان ابزار کنترل خطر بزه‌کاری، بیش از تناسب جرم و مجازات، عمل می‌نماید (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۲۶). به عبارت دیگر، این رویکرد بدون توجه به تناسب طولی و عرضی بین جرایم ارتكابی و کیفرهای اعطایی به آنان، فقط با هدف یکسان‌سازی مقابله با جرم و حذف یا به انزوا کشاندن مرتکبین جرایم ارتكابی به دنبال ایجاد مدیریت خاصی در کنترل اجتماعی و مقابله با بی‌کیفری می‌باشد (Mazerolle & Ransley, )

1. Zero tolerance



96: 2005). در این روش، با تأکید بر خنثی‌سازی و سلب توان مجرمان فرض بر این است که می‌توان به کاهش نرخ کلی بزه‌کاری امیدوار بود و در نتیجه با حذف برخی بزه‌کاران و دور نگاه داشتن آنان در پشت میله‌های زندان، سهم عمده آن‌ها را در روند بزه‌کاری کاهش داده و نرخ کلی جرایم را به نحو قابل توجهی پایین آورد (غلامی، ۱۳۸۸: ۴۹۸). این در حالی است که در «آخرین روز یک محکوم» نیز شخصیت اصلی داستان به هنگام انتقال، در محل نگهداری موقت خویش با محکوم دیگری ملاقات می‌کند که به دلیل سرقت قرص نانی در جوانی به حبس ابد با کار اجباری محکوم شده است. نویسنده به نقل از این محکوم از بی‌تناسبی میان جرائم و مجازات‌ها پرده برداشته و از قول او می‌گوید: «آرنجی به شیشه مغازه نانوایی کوبیدم و قرص نانی را چنگ زدم، نانا نیز مچ مرا گرفت. نتوانستم نان را بخورم، ولی به حبس ابد با کار اجباری محکوم شدم...» (هوگو، بی‌تا: ۵۵) بی‌گمان، تعیین کیفر حبس ابد به خاطر سرقت یک قرص نان با اندیشه آزادی‌خواهانه آن روزگاران، که مقارن با انقلاب فرانسه گفتمان مسلط بوده است، همسو و هماهنگ نیست. از این‌رو، حقوق کیفری به تدریج به یاری سایر رشته‌های علوم جنایی می‌کوشد واکنش‌های اجتماعی در برابر مجرمین را مدرّج و متناسب نموده و از این ره‌گذر علت‌های ارتکاب جرم را نیز بررسی کند؛ هرچند که سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه همچنان در برخی موارد در نظام‌های حقوقی نظیر قانون سه ضربه و اخراج در سال ۱۹۹۳ در آمریکا یا سیاست مشت آهنین در مقابل جرائم مواد مخدر نمایان است (نجفی‌توانا، ۱۳۹۱: ۱۰۵). به باور برخی، این نوع سیاست، موجب فرهنگ‌سازی بر عدم ارتکاب جرم نمی‌شود و نقش مقطعی داشته و با کاهش قدرت نظارت، میزان جرائم افزایش خواهد یافت. وانگهی، عدم تطبیق این سیاست با حقوق شهروندی در جوامع غربی چالش بزرگ این رویکرد است. (جفری، ۱۳۸۴: ۱۷۱) زیرا به بهانه حفظ نظم عمومی، اختیارات ضابطان و مقامات قضایی به تدریج فزونی یافته و به این ترتیب زمینه مداخله در حریم خصوصی افراد و نقض حقوق افراد به روش‌های گوناگون فراهم می‌شود.

### ۱.۵. اجرای علنی کیفر اعدام<sup>۱</sup>

شخصیت اول داستان، در آن سوی نقد، کیفر مرگ را به‌عنوان مجازاتی وحشت‌انگیز و ناعادلانه با ذکر حاشیه‌های اجرای علنی آن با نگاهی خاص از منظر تماشاگران این صحنه توصیف کرده و می‌گوید: «...امروز حکم در میدان اعتصاب اجرا خواهد شد... کسانی که در بالای مناره یعنی آن‌جا که بیرق در اهتزاز است، صعود کرده‌اند، منظره اعدام مرا به خوبی خواهند دید.» (هوگو، بی‌تا: ۴۷) نویسنده داستان با توصیف هوشمندانه‌ای از صحنه اعدام در «آخرین روز یک محکوم» به

1. Public executions

خوبی عادی و طبیعی بودن آن را در میان مردمان جامعه‌ای که آستانه تحمل خشونت‌شان با نمایش اجرای علنی مجازات‌ها بالا رفته و با شور و شغف و هلهله و شادی نظاره‌گر اعدام هستند به تصویر می‌کشد، و مهم‌تر این‌که نشان می‌دهد چگونه این مجازات، اسباب تفریح و سرگرمی جمیعت وحشت‌انگیزی را که به تعبیر نویسندگان داستان مانند کفتار فریاد می‌زنند، فراهم کرده است. اجرای کیفرهای سنگینی مانند اعدام با رویکرد پیش‌گیری از جرم در فضاهای عمومی، می‌تواند جلوه‌ای از کارکردهای سیاست جنایی سرکوب‌گر را در عصر نویسندگان نمایان سازد. چنانکه به اعتقاد بکاریا، هدف کیفر جز آن نیست که بزه‌کار را از زیان رساندن دوباره به شهروندان خود باز دارد و دیگران را نیز از پیروی در این راه منصرف سازد (بکاریا، ۱۳۸۵: ۶۷).

مخالفت هوگو با این شیوه از اجرای کیفر و حتی اصل مجازات اعدام آشکارا از خلال داستان هویداست و البته فریاد بلند او در اثر مشهور بینوایان شنیدنی‌تر است. او در آنجا از نگاه اسقف عالی «دین پی» می‌نویسد: «خطای بزرگی است که شخص انسان آن چنان در قوانین بشری غرق شود که به قوانین الهی بی‌توجه بماند. مرگ تنها به خداوند تعلق دارد و آدمیان حق ندارند در این امر مجهول مداخله کنند.» (نوربها، ۱۳۹۰: ۳۷۴) او در دیباچه «آخرین روز یک محکوم» نیز به مخاطبان هشدار می‌دهد که مطمئن باشند گنبد جامعه آینده، به دلیل فقدان این ستون زشت و بدقواره (اعدام)، فرو نخواهد ریخت (مالوری، ۱۳۸۱: ۲۵۷).

مخالفت با اعدام و اجرای علنی آن، آن‌سان که مشهود است، در گذشته فقط به اعتراض‌های حقوق‌دانانی چون بکاریا محدود نشده و نویسندگان و ادیبانی مانند هوگو نیز در آثار خود به شیوه‌های گوناگون علیه این کیفر موضع گرفته و سیاست جنایی زمان خود را به چالش کشیده‌اند. این نوع اعتراض‌ها سرانجام به حذف کیفر اعدام در اروپای غربی انجامیده و به تدریج این جنبش به دیگر کشورها نیز سرایت یافت.

#### ۱.۶. نهاد عفو<sup>۱</sup> (جلوه‌ای از سیاست‌مدارا)

پیش‌بینی نهاد عفو از سوی عالی‌ترین مقام کشور (رهبر، پادشاه و رئیس‌جمهور) می‌تواند نوعی مَدارای سیاسی از سیاست جنایی محسوب گردد، نهادی که اعمال آن حقی در تبدیل یا نادیده انگاشتن کیفر تحمیلی ایجاد می‌کند. هرگاه با فرض ثبوت جرم و بقای حکم محکومیت، به دستور عالی‌ترین مقام کشور، از اجرای تمام یا قسمتی از مجازات صرف‌نظر گردد، در بیان اهل فن، «عفو خصوصی» نامیده می‌شود (وحدت، ۱۳۱۵: ۳۸). عفو خصوصی در تناقض با اصل تفکیک قوا، ابزاری است که قوه مجریه برای معافیت محکوم از تحمل کلی یا جزئی کیفری از حکم صادره در اختیار

1. Pardon

دارد (لوترمی، ۱۳۸۷: ۹۷). سیاست جنایی ارفاق‌آمیز یا مداراگرایانه با ملاحظه عبارتی چون: «پنج دقیقه به من مهلت دهید، شاید حکم عفو من برسد. به خدا مردن در این سن و سال و آن هم به چنین وضعی برای من وحشت‌انگیز است! تا کنون چه بسا حکم عفو محکومین در لحظات آخر رسیده است... برای خاطر خدا یک دقیقه دیگر صبر کنید تا شاید حکم عفو من برسد... ای وای! اگر حکم عفو من نرسد، چه کنم؟ خیر، خیر، ممکن نیست مرا ببخشند!» (هوگو، بی‌تا: ۹۷) جلوه‌ای از درک و پذیرش این تأسیس از سوی شخص اول داستان است. آن‌سان که نویسنده داستان آشکار می‌کند، رابطه تنگاتنگی میان عفو و مجازات‌های شدید نظیر اعدام برقرار است. هر اندازه که کیفر سنگین‌تر باشد، فشارها و فریادها بابت عفو قوت می‌گیرد و مجازات در مرحله اجرا با مانع جدی مواجه خواهد شد. برعکس، هرچه کیفرها ملایم‌تر باشد، ضرورت ترحم و شفقت کمتر احساس می‌شود. به تعبیر بکاریا، حق عفو زیباترین امتیاز دربار و آرزوبرانگیزترین خصیصه حکومت برای قساوت قوانین و محکومیت‌ها است (بکاریا، ۱۳۸۵: ۸۷).

با این حال، سیاست جنایی در مفهوم موسع، جهت نیل به ابزارهای کنترل بزه و بزه‌کاری، نیازمند بهره‌گیری از یافته‌های علت‌شناسی بزه‌کاری می‌باشد. در یک سیاست جنایی یک‌پارچه، حقوق کیفری، حقوق پیشگیری، حقوق اصلاح و درمان به صورت تلفیقی اعمال می‌شوند که خود نوعی سیاست میان‌نهادی، مشارکتی با ایفا کنش‌گران متفاوت دولتی و جامعه‌ی در جهت قانون‌مند شدن تدابیر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۷). سیاست جنایی کارآمد در این مفهوم به هنگام تبیین راهبردهای کنشی و غیرسرکوبگر در منطقه کنترل شده جنایی لاجرم از رهیافت‌های علت‌شناسی و نظریه‌های ارائه شده در مهار بزه‌کاری بهره می‌گیرد. متولیان سیاست جنایی که به ساختارهای موجود در تبیین علت‌شناسانه بزه‌کاری بی‌توجه هستند، به طور قطع، نمی‌توانند گام‌های مؤثری را در تدبیر و چاره‌اندیشی پدیده جنایی بردارند. از این‌رو، توجه به سیاست جنایی، بدون دقت نظر در عرصه جرم‌شناختی کارآمد نخواهد بود. خاستگاه چنین تفکری را می‌توان در داستان‌های ادبی و تاریخی نیز مشاهده کرد. هوگو در اثر مزبور، ضمن روایت جلوه‌های سیاست جنایی معاصر خویش، از ره‌گذر جرم‌شناسی مضاعف به علت‌شناختی ارتکاب جرم، نظیر بی‌توجهی به کودکان خیابانی که در آینده به مجرمین حرفه‌ای تبدیل می‌گردند و یا این‌که ارتکاب جرم می‌تواند ناشی از داشتن روابط اجتماعی افراد با سایر مجرمان باشد، به شرح مطالب ذیل می‌پردازد.

## ۲. خوانش جرم‌شناسانه محتوای داستان

جرم‌شناسی رشته‌ای از علوم جنایی است که عوامل و فرآیندهای بزه‌کاری، بزه‌دیدگی و حالت خطرناک آنان را به روش علمی مطالعه می‌نماید تا بهترین روش پیش‌گیری از جرم و نیز اصلاح و درمان بزه‌کاران و بزه‌دیده‌گان را ارائه دهد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷). رهیافت‌های جرم‌شناختی از آغاز پیدایش این رشته، بیشتر توسط اندیشمندان غیر از حقوقدانان نظیر جامعه‌شناسان، فیلسوفان، روان‌شناسان و حتی پزشکان به حقوق کیفری وارد شد. در این میان ادیبان و نویسندگان نیز با دیدگاه‌های خویش به علت‌های وقوع جرم توجه داشته و با استفاده از مفاهیم و واژگان رایج در رشته خویش ناهنجاری‌های موجود را تحلیل کرده‌اند. هوگو نیز در کتاب «کلود ولگرد و آخرین روز یک محکوم»، تلاش می‌کند در کنار توجه به ساختارهای عدالت کیفری معاصر خود، علت‌های ارتکاب جرم را واریسی کند. یافته‌های زیر حاصل تکاپوی نویسنده در این مورد است.

### ۱.۲. پیش‌گیری رشد مدار<sup>۱</sup>

در چهار دهه گذشته در اکثر کشورها، پیش‌گیری در سطوح مختلف حاکمیت مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه در فرانسه، سازمان ملی پیش‌گیری از جرم تأسیس شد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۱: ۷۸۲). صرف‌نظر از گونه‌های مختلف پیش‌گیری از جرم، یکی از این روش‌ها، پیش‌گیری رشد مدار است. منظور از راهبرد اخیر، اتخاذ تدابیر و اقدامات گوناگون در طول رشد افراد می‌باشد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۱: ۷۸۹). از دیدگاه نویسنده، دولت در مقابله با بزه‌کاری نوجوانان، در برخی موارد از اقدامات مقتضی مغفول مانده است. توضیح این‌که محکوم به اعدام در راه انتقال از زندان «بی‌ستر» به زندان «کنسیرژی» با محکومی ملاقات می‌کند که پدر خود را در کودکی از دست داده و در نه سالگی مرتکب سرقت از مغازه‌ها می‌شده، اما دستگاه عدالت کیفری آن دوره با رسیدن وی به سن بلوغ، او را به کار اجباری گماشت. هوگو به نقل از وی چنین می‌گوید: «من در سن شش سالگی یتیم شدم و نه پدر داشتم و نه مادر، تابستان‌ها در وسط‌گرد و خاک کنار جاده‌ها گوشه‌ای می‌گرفتم و می‌نشستم تا شاید عابرین و مسافرینی که سوار در کالسکه چاپاری از آنجا می‌گذشتند پول سیاهی برای من بیندازند. زمستان‌ها پا برهنه در گل و شل راه می‌رفتم... در نه سالگی تصمیم گرفتم کم‌کم چمچه‌ها (یعنی دست‌ها)ی خود را به کار انداختم و گاه‌گاه انبان (یعنی جیب) یکی را خالی می‌کردم و جل (یعنی بلاپوش) دیگری را کش می‌رفتم. در ده سالگی عیار (یعنی دزد) شدم... چون به سن قانونی رسیده بودم مرا برای پاروونی به میان ناوهای کوچک (یعنی برای انجام کار اجباری) فرستادند...» (هوگو، بی‌تا: ۵۴) اما

1. Developmental crime pervention

پیش‌گیری زودرس ناظر به کودکانی است که پیش‌تر از سن معمول مرتکب بزه می‌گردند، و زندگی جنایی‌شان زودتر شکل می‌گیرد، از این‌رو به منظور جلوگیری از مزمن شدن بزه‌کاری، نیازمند مداخله نیروی غیرسرکوب‌گر در همان زمان طفولیت هستند. نویسنده داستان به نوعی از عدم مقابله با پدیده بزه‌کاری زودرس انتقاد کرده و بر همین مبنا، شخصیت دوّم داستان را در مسیر شخصیت اول قرار می‌دهد تا از این ره‌گذر، به لزوم مداخله به موقع حاکمان و بی‌توجهی آنان به نابسامانی‌های اجتماعی معاصر انتقاد نماید.

## ۲.۲. واکنش اجتماعی - برچسب‌زنی<sup>۱</sup>

جرم‌شناسی واکنش اجتماعی به‌جای توجه به مجرم و محیط پیرامون او، بر فرایند کیفری ناظر بر ارتکاب جرم از مرحله مداخله پلیس تا دادرسی و اجرای مجازات‌ها متمرکز می‌شود. طرفداران این نظریه بر این باورند قانون‌گذاری و نحوه تعامل کنش‌گران عدالت کیفری با مجرمین علت اصلی ارتکاب جرم از سوی آن‌ها می‌باشد (نجفی ابرندآبادی-هاشم بیگی، ۱۳۹۱: ۱۸۲). نظریه‌پردازان این مکتب برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار برچسب‌زنی، معتقد به عدم مداخله رسمی و بنیادی بوده و می‌گویند که این افراد، سرانجام خود به سمت رفتار و شیوه‌های متعارف زندگی کشیده خواهند شد و این، خصلت دوره جوانی و نوجوانی است که افراد میان دو قطب متعارف و نامتعارف سرگردانند (وایت، هینز، ۱۳۸۶: ۱۹۹). بنابراین، واکنش نامتناسب در برابر محکومین، گاه امکان دوباره اجتماعی شدن را از آن‌ها سلب می‌نماید. به اعتقاد این گروه از جرم‌شناسان، جامعه در فرآیند محاکمه و محکومیت به مردم برچسب مجرمیت می‌زند و همین عمل سبب توسعه هویت مجرمانه و طرد فرد از جامعه شده و سرانجام باعث همکاری با افرادی می‌گردد که برچسب مجرمیت دارند (Maclaughin & Mucie, 2001: 159).

در افکار ویکتور هوگو به روشنی به مسأله برچسب اشاره شده و وی در توصیف زندانی آزاد شده از اعمال شاقه می‌نویسد: «مردم شوی آن گذرنامه و جواز راه را ببرد که برگش زرد بود و بر روی آن نوشته بودند: زندانی با اعمال شاقه که آزاد شده. من از هر جا که می‌خواستم عبور کنم، مجبور بودم آن ورقه را نشان دهم. راستی چه سفارشنامه خوبی بود! من کیستم؟ محکوم به اعمال شاقه!» (هوگو، بی‌تا: ۵۵) ملاحظه می‌شود که فضای حاکم بر دوره معاصر نویسنده، بیان‌گر غربال‌گری پلیس و برچسب‌زنی مجرمانه است که با اعمال این تدابیر، محکوم همواره در مقام تحمل کیفر قرار گرفته و تمام قد در برابر آیین مجازات، خویشتن را ملاحظه و داوری می‌نماید. اما اگر برچسب‌زنی محکومان فقط از سوی کنش‌گران عدالت کیفری صورت پذیرد، افراد پس از پایان

1. Radical criminology-labeling

کیفر با فضای بیشتری از تعاملات اجتماعی مواجه خواهند بود؛ برعکس، اگر تصمیم‌هایی اتخاذ گردد که سبب شود محکوم همواره مجازات سپری شده را به دوش بکشد، اجرای کیفر با هدف اجتماعی کردن بزه‌کاران، امری بی‌فایده خواهد بود. از همین‌رو، امروزه مراقبت‌های پس از پایان محکومیت و نوع نگاه مردم به محکومانی که کیفر خود را تحمل کرده‌اند، نقش مهمی را در بقاء روابط اجتماعی این دسته از افراد ایفا می‌کند.

### ۳.۲. یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی

در بیان علت‌شناسی جرم، افزون بر بزه‌کار و بزه‌دیده، وضعیت اجتماعی وی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بزه‌دیده در چارچوب شرایط یا عوامل موجود، نقش مهمی را در مهار جرم بازی می‌کند. پژوهش‌های حوزه علوم جنایی تفسیری نشان‌گر آن است که ارتکاب جرم صرفاً ناشی از اوضاع و احوال بزه‌کار نبوده و نقش او از ره‌گذر مسامحه یا تقصیر در بزه‌دیده و حتی ویژگی‌های خاص وی نیز مؤثر است (صغاری، ۱۳۸۲: ۳۸). البته در مواردی، بزه‌دیدگی فقط شامل بزه‌دیده مستقیم نمی‌شود و بزه‌دیدگان غیرمستقیم از قبیل خانواده، بستگان و غیره را نیز در برمی‌گیرد. با این حال، نباید پنداشت بزه‌دیدگی همواره محصول رفتار مجرمانه است، بلکه در مواردی این مهم به دلیل حاکمیت قوانین نامتناسب و نظام‌های کیفری خاص که از منظر سیاست جنایی به نظام‌های اقتدارگرا یا اقتدارگرایی فراگیر تعلق دارد، نیز قابل تصور است. آن‌گاه که محکوم به اعدام، به هنگام نقد این کیفر در توصیف یگانه فرزندش چنین می‌گوید: «...تمام کودکان همسال تو، پدر خواهند داشت و تنها تویی که بی‌پدر می‌مانی، طفل عزیزم... ای کاش این اعضای هیئت منصفه، ماری، دختر زیبای مرا دیده بود تا می‌فهمیدند نباید پدر یک کودک سه ساله را کشت.» (هوگو، بی-تا: ۶۰) از نگاه هوگو، نادیده‌گرفتن اصول دادرسی منصفانه و اجرای کیفرهای خشن به‌منظور مهار بزه‌کاری امر پسندیده‌ای نبوده و با عدالت قضایی سازگاری ندارد. با این اوصاف، می‌توان نقد هنرمندانه وی را از چشم‌انداز آسیب‌شناسی نظام عدالت کیفری بازخوانی نمود.

نویسنده داستان در رمان مشهور بینوایان، از دریچه دیگری به بزه و بزه‌دیدگی می‌نگرد. او بر این باور است بزه‌کاران بیشتر قربانی‌اند تا گناهکار. جامعه مسؤول سقوط آن‌هاست. او می‌گوید: «مردم گرسنه‌اند، مردم از سرما تلف می‌شوند. فقر آنها را، برحسب جنسیتشان، به جنایت و انحراف می‌کشاند. به مردم رحم کنید...» (مالوری، فیلیپ، ۱۳۸۱: ۲۵۵) او در داستان کلود ولگرد<sup>۱</sup>

۱. داستان کلود ولگرد در صفحات ۱۰۱ تا ۱۳۱ به همراه داستان «آخرین روز یک محکوم» در یک جلد ارائه شده است.

نیز این باور را با شرح حال کلود، کارگر شریف سابق و دزد حال و آینده، به تصویر کشیده و قضاوت را به خواننده منصف و با وجدان واگذار می‌کند.

## ۲.۴. بازتاب مفاهیم جامعه‌شناسی

از دیگر یافته‌های اثر مورد بحث، ارتباط آن با نظریه‌های جامعه‌شناسی جنایی و جامعه‌شناسی کیفری است. جامعه‌شناسی جنایی، علت‌های ارتکاب جرم را در بستر محیط (اعم از حقیقی و مجازی) مطالعه و بررسی می‌کند و در مقابل، جامعه‌شناسی کیفری توجه خود را به مطالعه نهادهای گوناگون نظام عدالت کیفری اعم از حقوق کیفری عمومی، اختصاصی و آیین دادرسی کیفری به‌عنوان پدیده‌های اجتماعی و پیامدهای آن‌ها در جامعه معطوف می‌نماید. از خلال تحلیل محتوای داستان «آخرین روز یک محکوم» جلوه‌هایی از رویکرد جامعه‌شناسانه در هر دو شاخه جنایی و کیفری دیده می‌شود.

## ۲.۴.۱. بارقه‌های جامعه‌شناسی جنایی

هوگو در پی توصیف شرایط زندگی شخصیت‌های داستان، تأثیر عوامل محیطی را که امروزه در عرصه علوم جنائی تحت عناوین گوناگونی مطرح می‌شوند، مورد توجه قرار داده است، آن‌سان که از چگونگی تعامل این شخصیت‌ها می‌توان نظریه‌هایی از جامعه‌شناسی جنایی و حتی جامعه‌شناسی کیفری را استنباط کرد. نظریه فشار یکی از نظریه‌های مهم در عرصه جامعه‌شناسی جرم است. به موجب این نظریه، از یک سو، اهداف قانونی و مقاصد تعریف شده‌ای در جامعه ترویج می‌گردد و از سوی دیگر، فرض بر این گذاشته می‌شود جامعه ابزار مشروعی برای رسیدن به این اهداف عرضه می‌کند. خلاء هنجاری زمانی پدید می‌آید که میان اهداف و ابزار در عمل تناسبی نباشد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۲: ۶۴). در این وضعیت، افراد لاجرم به سمت بزه یا انحراف متمایل می‌شوند. هوگو نیز از چشم‌انداز ادبی به این مهم توجه داشته و به نقل از شخصیت دوم داستان بیان می‌دارد: «... در سن شش سالگی یتیم شدم و نه پدر داشتم و نه مادر، تابستان‌ها در وسط گرد و خاک کنار جاده‌ها گوشه‌ای می‌گرفتم و می‌نشستم تا شاید ... پول سیاهی برای من بیندازند.» (هوگو، بی‌تا: ۵۴) بنابراین، هوگو بزه کاری را بیشتر ناشی از نابرابری‌های اجتماعی در توزیع عادلانه ثروت می‌داند. البته با بررسی بیشتر داستان می‌توان مفاهیمی از نظریه‌های دیگر را نیز یافت که امروزه در جامعه‌شناسی جرم محل بحث می‌باشد. در این میان معیارهای نظریه معاشرت‌های ترجیحی<sup>۱</sup> نیز در این اثر قابل ملاحظه است. یافته‌های این نظریه را نیز باید در همراهی شخصیت دوم داستان

1. Differential associations

با فرد محکوم به اعدام تحلیل نمود، زیرا این محکوم در مقام تعریف سرگذشت خود به هنگام آزادی از زندان در مرحله نخست می‌گوید: «...حاضر شدم در تمام روز، خود را به ازاء مزد پانزده «سو» و ده «سو» و حتی پنج «سو» بفروشم و کسی به من نیاز نداشت... در این بین به رفقای بر خورد کردم که دوره حبس خود را پایان رسانده و یا مانند من ریسمان (یعنی زنجیر) خود را گسسته و گریخته بودند. سر ایشان (یعنی رئیس ایشان) به من پیشنهاد کرد داخل دسته شوم و عضویت آن گروه را بپذیرم. کار ایشان این بود که بر سر شاهراهها مرغ سر ببرند (آدم بکشند)... من این پیشنهاد را پذیرفتم و به خاطر زنده ماندن خود، به کشتن مردم پرداختم» (هوگو، بی‌تا: ۵۵) هرچند که وی در گذشته صرفاً مرتکب جرائم خرد می‌شد، اما با پیوستن به گروه تبه‌کاری می‌آموزد قتل را نیز تجربه نماید. در نظریه معاشرت‌های ترجیحی نیز عقیده بر آن است جرم امری آموختنی و فراگیری رفتار مجرمانه در تماس با اشخاص دیگر صورت می‌پذیرد، در این فراگیری لوازم و فنون ارتکاب و نوع پوشش نیز آموزش داده می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۵۸). بدین‌سان، در اندیشه ویکتور هوگو توجه به این معاشرت‌ها و ارتباطات حاصله با گروه‌های تبه‌کاری و تأثیر آن بر ارتقاء فرآیند بزه‌کاری نمایان است.

#### ۲.۴.۲. رویکرد جامعه‌شناسی کیفری

محتوای داستان «آخرین روز یک محکوم»، بازتابی از جامعه‌شناسی کیفری را نیز به همراه دارد. جامعه‌شناسی کیفری، آن‌سان که گفته شد، کانون توجه خود را ارزیابی نهادهای حقوق کیفری قرار داده است. گرانیگاه و محور جامعه‌شناسی کیفری را جامعه‌شناسی جرم‌انگاری و کیفرگذاری، جامعه‌شناسی تشکیلات کیفری و جامعه‌شناسی ضمانت‌اجراهای کیفری تشکیل می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۹: ۱۷). با این توصیف، افق‌هایی از مباحث جامعه‌شناسی کیفری را می‌توان در نظام دادرسی حاکم بر عصر هوگو مشاهده نمود. در واقع، هوگو از نگاه ادبی خویش به فقر محاکمه انتقاد داشت و به دنبال بیان دادرسی منصفانه بود. منظور از دادرسی منصفانه، رسیدگی و تصمیم‌گیری مستقل قضایی در دادگاه‌های صلاحیت‌دار، با رعایت حقوق دفاعی متهم و توجه به سوابق زندگی، اجتماعی و محیط پیرامون او در طول فرایند دادرسی است. (Summers, 2007: 67). نویسنده داستان می‌کوشد به نوعی فقدان یکی از امکانات دادرسی منصفانه که همانا مواعید متناسب رسیدگی است، گوشزد نماید. هوگو به نقل از محکوم، به احتساب موعد اجرای حکم پرداخته و می‌گوید: «مهلت قانونی برای درخواست فرجام از حکم صادره از حینی که حکم را برای من قرائت کردند سه روز. توقف این پرونده روی میز جناب وزیر که از وجود چنین پرونده ای بیخبر است، پانزده روز می‌باشد... بالاخره یک روز پنج‌شنبه بر حسب معمول دیوان عالی کشور تشکیل



می‌شود و در همان روز، بیست عرضحال تمیزی را رسیدگی و رد می‌کنند، سپس همه آن دادخواست‌ها را خدمت جناب آقای وزیر اعاده می‌دهند. معظم‌له نیز آنها را خدمت جناب آقای دادستان می‌فرستند و دادستان نزد جلال ارسال می‌دارد و این جریان مجموعاً سه روز طول می‌کشد...» (هوگو، بی‌تا: ۱۷) در نهایت در ظرف شش هفته همراه با ترس و وحشت اعدام اجرا می‌شود. این نوع دادگستری با ویژگی‌هایی که در جریان داستان تشریح می‌گردد، هیچ بازتابی از دادرسی منصفانه و کرامت‌مدار را به همراه ندارد. حال آن‌که در یک سیاست جنایی مختلط، نظام دادگستری به مثابه معماری فرزانه و خردمند به گونه‌ای سامان داده می‌شود که به طور متوازن امنیت عمومی جامعه، امنیت حاکمیت و حقوق و آزادی‌های شهروندان را پاس دارد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۴: ۹۰). چنین تحلیلی از مراحل دادرسی هرچند دورنمایی از دادرسی عادلانه از حیث حضور هیأت منصفه و دو مرحله‌ای بودن دادرسی را نشان می‌دهد، اما به نقل از محکوم، رسیدگی در مرحله فرجامی و این‌که در یک روز اداری، قریب به بیست پرونده قتل بررسی و سرانجام همه تأیید می‌شوند، نوعی اعتراض به ناکارآمدی مراحل رسیدگی و شیوه‌های حاکم بر دادرسی آن عصر را برمی‌انگیزد. این روش از دادگری و دادورزی در مرحله فرجامی، الگویی از مدل کیفری کنترل جرم را نمایان می‌سازد، که در آن، دغدغه دستگاه عدالت کیفری، تعقیب و سرکوب مجرم تا حدی به بهای محکوم کردن بی‌گناهان است (شفیع‌زاده دیزجی، ۱۳۹۲: ۱۹). انسان در این رویکرد کنترلی فایده‌نگر همچون وسیله‌ای می‌ماند که در پای منافع عمومی لگدمال و قربانی می‌گردد. اگر در شرایط خاصی، کیفر دادن شخص بی‌گناهی آسانترین یا حتی یگانه راه پیشگیری از جرم باشد، لاجرم باید انجام شود. به عبارت دیگر در این دیدگاه بزه کار به مثابه کنشگر اقتصادی است که با به کار گیری عقلانیت کیفری سود وزیان، اقدام به ارتکاب جرم می‌نماید و از این رهگذر شایسته تدابیر حمایتی و دفاعی نمی‌باشد (جعفریان، ۱۳۹۴: ۳۸). لزوم تغییر این دیدگاه در قلمرو دادرسی جنایی سبب می‌شود تا هوگو در داستان «کلود ولگرد» به شیوه دیگری به نقد قوانین می‌نشیند و خواهان انهدام نردبان پوسیده جرایم و مجازات‌ها و نوسازی در قوانین و اصول محاکمات جزایی می‌گردد. او خواهان اصلاح زندان‌ها و تغییر قضات می‌شود و از اینکه در فرانسه آن زمان هر سال سر عدد کثیری به گیوتین سپرده می‌شود و دولت به جای صرفه‌جویی در سرهای نازنین به فکر صرفه‌جویی در بودجه است، تأسف می‌خورد. او می‌گوید آموزگار استخدام کنید تا جلال! و قوانین را پایه‌پای اخلاق پیش ببرید (هوگو، بی‌تا، ۱۳۰).

اما سخن راوی «آخرین روز یک محکوم» در فراز پایانی داستان شنیدنی‌تر است: «آه ای قوانین نارسا و ای مردم بدبخت و بینوا، به خدا من انسان شریب و بدکاره‌ای نبوده‌ام.» (هوگو، بی‌تا: ۷۴) بلکه این قوانین ناعادلانه است که چنین سرنوشت شوم و نفرت‌انگیزی را رقم زد. او امیدوار است

که روزی فرا برسد که این یادداشت‌ها، در تنظیم و تدوین قوانین نو به کار آید و آیندگان در نظام مجازات‌ها، به ویژه کیفر اعدام، تجدیدنظر نمایند.

### نتیجه‌گیری

داستان «آخرین روز یک محکوم» در حقیقت روایت‌گر فریادها و شکوه‌هایی از سیاست جنایی حاکم بر زمان ویکتور هوگو است. سیاست‌های سخت‌گیرانه در قبال بسیاری از جرائم خرد، اجرای علنی کیفر اعدام و اعمال کیفرهای بدنی سخت نظیر پارو زنی در کشتی یا اعمال شاقه، یادآور سیاست طرد بزه‌کاران و بی‌توجهی به موضوع بازپروری عادلانه محکومین است. از یک منظر، بررسی این نوع از پاسخ‌های کیفری بدون احتساب تناسب عمل بزه‌کار و خسارت وارده، نظیر سرعت قرص نان و اجرای کیفر حبس ابد برای آن، می‌تواند به نوعی بارقه‌هایی از سیاست جنایی عملگرا در جوامع امروزی را بازتاب دهد. شعار این سیاست چنین است: «دولت مردان بیدارند و با بی‌کیفری مقابله می‌کنند.» از نگاهی دیگر، نویسنده داستان با تمرکز بر علت‌های اجتماعی جرم از رهگذر جامعه‌شناسی جنایی، اوضاع و احوال حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی بزه‌کاران را رصد کرده و به دقت دنبال می‌کند. از این‌رو، از خلال واکاوی «آخرین روز یک محکوم» می‌توان ادعا کرد، مضامین و مفاهیم داستان، به دلایلی که گفته شد، همسو با یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی در عصر مدرن است. مواردی چون علت‌شناسی جرم، برچسب‌زنی، بزه‌دیدگی‌شناسی، توجه به شخصیت مجرم در صدور حکم، مرحله‌پساکیفری، ماهیت و نوع واکنش‌ها به ویژه کیفر اعدام و نحوه اجرای آن از نمودهای بارز و مهم اثر مذکور است که واجد ابعاد جرم‌شناسی هستند که مورد توجه ویکتور هوگو بوده‌اند.

فراگیر بودن مفهوم چگونگی ارتکاب جرم از حیث علت‌شناختی و نحوه مقابله با آن، سبب شده تا بیشتر کنش‌گران و پویان‌گران اجتماعی، بیش از پیش به دنبال شناسایی پدیده جنایی باشند. پژوهش‌گران در رشته‌های گوناگون و حتی نویسندگان ادبیات داستانی در تلاش هستند با بررسی پدیده مجرمانه و کاربست یافته‌های علوم مورد مطالعه خویش در پاسخ‌گذاری معمایی بزه‌کاری مشارکت نمایند. بنابراین، مسأله جرم و مجازات فقط دغدغه حقوق‌دانان و جرم‌شناسان و کنش‌گران عدالت کیفری نیست و نویسندگان، داستان‌نویسان و شاعران نیز در این باره سخن‌ها و نکته‌هایی دارند که باید شنیده و مورد توجه قرار گیرد. شاید راه‌کارها و رهنمودهای آن‌ها که از فرایند بررسی و خواندن آثارشان استنباط می‌شود، به کارایی و کارآمدی دستگاه عدالت کیفری و تحول در واکنش‌ها و ضمانت‌اجراها کمک نماید. بر همین اساس، تحلیل محتوای داستان‌های جنایی

نظیر «آخرین روز یک محکوم»، از چشم‌انداز سیاست جنایی و جرم‌شناسی، مبتنی توجه ضمنی نویسندگان ادبی به علل پیمایش پدیده جنایی در جامعه می‌باشد.

سرانجام به علت اهمیت تحلیل محتوا در آثار ادبی، پیشنهاد می‌شود دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران علوم جنایی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی درس‌نامه یا واحدی موسوم به جرم-شناسی ادبی، دست‌کم به عنوان یک واحد اختیاری، با هدف تحلیل حقوقی و جرم‌شناسانه آثار و متون ادبی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی راه‌اندازی شده و سرفصل‌های تازه‌ای برای پژوهش‌های جدید در این حوزه تعریف و تبیین گردد. ناگفته روشن است، توجه به بارقه‌ها و جلوه‌های جرم‌شناسی در متون ادبی و رصد و ارزیابی نوع نگاه و جهان‌بینی ادیبان پیرامون مسأله جرم به نوبه خود می‌تواند در توسعه و تکامل جرم‌شناسی اثرگذار باشد. وانگهی، خوانش جرم‌شناسانه ادبیات، ساحت جدیدی در قلمرو جرم‌شناسی می‌گشاید که به دلیل جذابیت ذاتی‌اش پژوهش‌های زیادی را رقم خواهد زد.

### منابع

- آخوندی، محمود (۱۳۸۴)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد پنجم، چاپ اول، ضمیمه کتاب، تهران: انتشارات مجد.
- بکاریا، سزار (۱۳۸۵)، **رساله جرائم و مجازات‌ها**، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: انتشارات میزان.
- بولوک، برنارد (۱۳۸۶)، **کیفرشناسی**، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات مجد.
- جفری رسن (۱۳۸۴)، «نگاهی به سیاست تسامح صفر»، ترجمه جلال‌الدین قیاسی (مترجم)، **نشریه فقه و حقوق**، شماره ۴، ص ۱۸۴-۱۷۳.
- جعفریان سوته، حسن (۱۳۹۴)، «از عدالت کیفری کرامت‌مدار تا عدالت کیفری امنیت‌مدار (علل، راهکارها)»، **مجله اندیشه‌های حقوق کیفری**، سال اول، شماره ۱، ص ۵۴-۳۵.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۳)، «جایگاه کیفر مرگ در جهان»، **مجله پژوهش حقوق و سیاست**، شماره ۱۱، ص ۱۱۱-۱۳۰.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۰)، **جرم‌شناسی**، چاپ دوم، تبریز: انتشارات فروزش.

- رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۰)، «کارآمدی و ناکارایی کیفر اعدام در مبارزه با جرایم بین‌المللی»، در: یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶، ص ۵۲۱-۴۷۳.
- رضوانی، روح‌الله (۱۳۸۹)، تحلیل محتوا، عیار پژوهش در علوم انسانی، شماره ۳، ص ۱۳۷-۱۵۶.
- رضوانی، سودابه (۱۳۹۵)، تحولات مفهوم خطرناکی در جرم‌شناسی و آثار آن در حقوق کیفری، رساله دکتری از دانشگاه شهید بهشتی.
- شفیع زاده دیزجی، توحید (۱۳۹۲)، «مطالعه مدل‌های دوگانه عدالت کیفری هربرت پارکر با تکیه بر ارزیابی عدالت کیفری ایران در پرتو آن مدل‌ها»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق شهید بهشتی.
- طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- صابری، راضیه (۱۳۹۴)، «گفتمان سیاست جنایی در کتاب مزرعه حیوانات»، مجله حقوقی داور، شماره ۱۳-۱۴، ص ۳۷-۹.
- غلامی، حسین (۱۳۸۶)، «سیاست کیفری سخت‌گیرانه»، فصل‌نامه دانش انتظامی، شماره ۲۷، ص ۹۵-۱۲۱.
- غلامی، حسین (۱۳۹۱)، ترس از جرم، دیباچه در: حمیدرضا نیکوکار و بهاره همت‌پور، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- فوکو، میشل (۱۳۹۲)، مراقبت و تنبیه، ترجمه نیکو سرخوش، و افشین جهان‌دیده، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات نی.
- کاتبی، حسین (۱۳۴۶)، «تاریخچه قانون مجازات فرانسه»، ترجمه، مجله کانون وکلا، شماره ۱۰۵، ص ۸۳-۸۷.
- کسمایی، بهروز (۱۳۵۷)، «نقد و بررسی کتاب بینوایان ویکتور هوگو»، مجله وحید، شماره ۲۳۶، ص ۲۸-۳۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷)، «نقد و بررسی کتاب بینوایان ویکتور هوگو»، مجله وحید، شماره ۲۳۷، ص ۳۱-۳۶.
- لوترمی، لوریس و دیگران (۱۳۸۹)، بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه، برگردان محمود روح‌الامینی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- لازرژ، کریستین (۱۳۹۲)، **درآمدی در سیاست جنایی**، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- معظمی فراهانی، بیتا (۱۳۸۷)، «ویکتور هوگو، نویسنده قهرمان پرور یا قهرمان سخنوری»، **مجله نقد زبان و ادبیات خارجی**، شماره ۱، ص ۱۳۰-۱۱۵.
- موریس، نورال، روتمن، دیوید. ج (۱۳۹۰)، **سرگذشت زندان: روش مجازات در جامعه غرب**، ترجمه پرتو اشراق، چاپ اول، تهران: انتشارات ناهید.
- مالوری، فیلیپ (۱۳۸۱)، **ادبیات و حقوق**، ترجمه مرتضی کلانتریان، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱)، **جرم‌شناسی (پیش‌گیری از جرم)**، جزوه درسی، مجتمع آموزش عالی قم.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی کیفری**، جزوه درسی، دانشکده حقوق شهید بهشتی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱)، **مباحثی در علوم جنایی**، جزوه درسی، ویراست هفتم، به کوشش: شهرام ابراهیمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **درآمدی در بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری**، (مجموعه مقالات)، چاپ اول، انتشارات میزان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)**، جزوه درسی، دانشکده حقوق شهید بهشتی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **تقریرات جرم‌شناسی**، جزوه درسی دوره کارشناسی، دانشکده حقوق شهید بهشتی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، **از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیت مدار**، جزوه درسی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق شهید بهشتی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴)، **آیین دادرسی کیفری: بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها (مجموعه مقالات همایش قانون آیین دادرسی کیفری، آذرماه ۱۳۹۴)** دانشگاه شهید بهشتی، ص ۸۹-۱۰۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بیگی، هاشم (۱۳۹۱)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نجفی توانا، علی، (۱۳۹۱)، **جرم‌شناسی**، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سنجش و دانش.
- نوریها، رضا (۱۳۹۰)، **زمینه حقوق جزای عمومی**، چاپ بیست و نهم، تهران: انتشارات دادآفرین و گنج دانش.

وایت، رایت، هینز، فیونا (۱۳۸۶)، **جرم و جرم‌شناسی**، جلد نخست، ترجمه علی سلیمی، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

وحدت، مهدی (۱۳۱۷)، «عفو و عفو عمومی عقاید علمای فرانسه و بلژیک»، **مجموعه حقوقی**، شماره ۱۳، ص ۳۷-۳۹.

محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۹)، **روش تحلیل محتوا، (راهنمای علمی تحقیق)**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانش نگار.

هوگو، و یکتور (بی‌تا)، **کلود ولگرد و آخرین روز یک محکوم**، ترجمه محمد قاضی، چاپ هفتم، انتشارات حلاج.

Hodgkinson, Peter. Schabas, William A. (2004), **Capital Punishment**, Cambridge University Press.

Summers, Sara. j. (2007), **Fair Trials: The European Criminal Procedural Tradition and the European Court of Human Rights**, Volume 4 of Criminal law library, Oxford, hart publishing.p.67.

Mazerolle, Larsenly., Ransley, Janet. (2005), **Third Party Policing**. Cambridge university press. p.96.

Mclaughlin, Eugene. & Munice, John. (2001), **The Sage Dictionary of Criminology**. sage press. P.159.

Ward, Tony. & Maruna, Shadd. (2007), **REHABILITATION**, Routledge press.

